



نمایشگاه اسباب بازی و لوازم کودک در تهران، عکس از خبرگزاری صداوسیما



مسابقه گلف در سواحل «هاوایی»، عکس از گتی ایماژ



زندگی زیر بارش باران‌های شدید موسمی در «کلکته» هند، عکس از نشنال جئوگرافی



در محضر بزرگان

صدافت جلوی گناه را می‌گیرد



مرحوم علامه طباطبائی درباره راستگویی و صداقت و فواید آن فرموده‌اند: وقتی نفس آدمی عادت کرد به راستی و سخن استوار و آن را ترک نکرد، دیگر دروغ از او سر نمی‌زند و سخن لغو و یا سخنی که فساد از آن برخیزد، از او شنیده نمی‌شود و وقتی این صفت

در نفس رسوخ یافت، بالطبع از فحشا و منکر و رفتار بیهوده دور گشته، اعمالش صالح می‌شود و از عمری که در گناهان مهلک صرف کرده، دریغ می‌خورد، پشیمان می‌گردد؛ و همین پشیمانی، توبه است. وقتی توبه کرد، خدا هم در مابقی عمر از ارتکاب گناهان مهلک محافظتش فرماید و اگر مبتلا به گناهان کوچکی هم شد، خداوند می‌بخشد. پس ملازمت سخن استوار، انسان را به صلاح اعمال کشانیده و به اذن خدا به آمزش گناهان منتهی می‌شود.

برگرفته از کتاب «حکمت زلال»



نمونه

یکی از آشنایان که در دادگاه مشغول به کار است، می‌گفت: خیلی‌ها در علم حقوق به پرونده می‌گویند: «کیس» مثلاً محتوای فلان پرونده، کیس خوبی است برای پژوهش. به این دوست عزیز گفتم دست کم دو واژه داریم که می‌تواند جایگزین «کیس» شود: یکی «نمونه» و دیگری «مورده» آن دوست با تأسف سری تکان داد و گفت: «خلق را تقلیدشان بریاد داده، من هم حرف ایشان را تأیید کرده و می‌گویم به راستی وقتی یک نفر واژه بیگانه‌ای را به کار می‌برد، چرا دیگران بدون اندیشیدن کافی کار او را تقلید می‌کنند؟

اسماعیل فریدونی



آفتاب‌ی شدن

هرگاه کسی پس از مدتی از خانه یا محل اختفای خود خارج شود و خود را نشان دهد، اصطلاحاً می‌گویند فلانی آفتابی شد. در قدیم، فقر قنات به خصوص در مناطق کم‌آب ایران، رونق داشت، آفتابی شدن نیز از اصطلاحات قناتی است و آنجا که آب قنات به سطح زمین می‌رسد، گفته می‌شود «آفتابی شد» یعنی آب قنات از تاریکی خارج شده، به آفتاب و روشنایی رسیده است. این عبارت بعدها درباره افرادی که پس از مدتی از انزوا خارج می‌شوند، به کار برده شد.



نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی



زمستان زیبا

در آینه‌ها دور می‌شوم
با تکه برفی در یک جیب و
کلاغی در جیب دیگر
رویاهایم با زمستان در آمیخته
و زمستان
با زیبایی سرد محبوبم
او از درخت زمستان
برایم برف و کلاغ تکاند

رسول یونان



لایغر شدن بدون در دسر!



جیم» نام دستگاهی است که یک دکتر آمریکایی به نام «لوییز» آن را اختراع کرده است و مدعی شده که با وصل کردن آن به عضله پا و لرزش دستگاه می‌توانید وزن کم کنید. به گفته سازنده، این دستگاه کاملاً بدون عوارض جانبی است!

کلاهبرداری نجومی با کیف تقلبی!



معتبر می‌خرید و عکس آن را با قیمت بسیار پایین‌تری روی سایت می‌گذاشت. سپس کیف اصل را برای خودش نگه می‌داشت و کیف‌های تقلبی دست‌ساز چینی را برای خریدار می‌فرستاد. او حالا بعد از ۲ سال کلاهبرداری، دستگیر شده است.

پرسرعت‌ترین تختخواب دنیا!



یکی از راننده‌های برتر مسابقات اتوموبیل رانی انگلیس به نام «تام انسلو» کمک گرفت تا تختخواب دونفره‌ای را در ماشین اش قرار دهد و با بالاترین سرعت ممکن رانندگی کند. او توانست با سرعت ۱۳۵ کیلومتر بر ساعت یک‌ر کورد جدید به گینس اضافه کند!

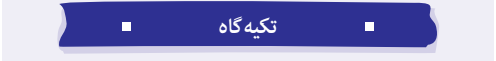
رکورد طناب‌زنِی مشترک!



باورنکردنی در مدت زمان یک دقیقه، ۵۸ بار با هم طناب بزنند و رکورد جدیدی ثبت کنند. توانایی این سگ در هماهنگ کردن پرش هایش با صاحبش برای همه جالب بود.



پاک کردن گل زعفران در «زاوه» تربت حیدریه، عکس از جابر غلامی



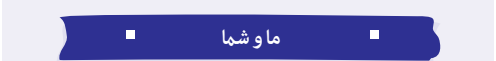
دانش مورد نیاز

سال‌ها پیش که تکیه هنوز برقرار بود، پاتوق شب و روزهای ما بود. در تکیه روضه داشتیم و قبل از غروب رفته بودیم تا کارهای نماز جماعت را انجام دهیم و بعدش تکیه را برای برنامه‌های شب آماده کنیم. چند تا از بچه‌ها گوشه‌ای نشسته بودند و با کارت‌های بازی که آن زمان خیلی طرفدار داشت بازی می‌کردند. یکی از پسرها در کارت بازی خیلی مهارت داشت و مشخصات تمام کارت‌ها را از حفظ بود. از تعداد گل‌های رده فلان تیم تا صد فلان ماشین. مشغول بازی بودند که حاج‌آقا روحانی وارد شد. همه به احترام ایشان از جا برخاستند ولی آن چند نفر از بس غرق در بازی بودند متوجه نشدند.

یکی از بزرگ‌ترها خواست دعوایشان کند که حاج‌آقا اشاره کرد کاری پешان نداشته باشید. بالای سرشان رفت و بازی‌شان را تماشا می‌کرد که خودشان متوجه شدند و با عذرخواهی بلند شدند. حاج‌آقا با روی خوش گفت: «این قدر به فکر و ذکرتون به بازی و تعداد سیلندرها و قهرمانی‌های جام جهانی تیم‌ها هست، به یاد نماز و درس‌هاتون هم هستین؟» بچه‌ها خجالت‌زده سرشان را پایین انداختند. حاج‌آقا گفت: «بریم نماز که دیر شد.»

تکیه پر شده بود. بعد از نماز حاج‌آقا روی منبر با مقدمه‌ای گفت: «از امام کاظم (علیه‌السلام) نقل است که روزی رسول خدا (صلی...) علیه و آله وارد مسجد شدن و دیدن گروهی دورمردی جمع شدن. پیامبر (ص) پرسیدن: این مرد کیست؟ یاران گفتن: اسامه است. حضرت (ص) پرسیدن: در چه چیزی علامه است؟ گفتند: در نسب‌های عرب و تاریخ آن و ایام جاهلیت و این موارد. رسول خدا (ص) فرمودن: «این‌ها دانشی است که هر کسی آن را نداند برایش زبانی ندارد و هر کس آن را بداند برایش سودی ندارد.»منظور پیامبر رو متوجه شدین؟ رسول اکرم (ص) اون روز کنایه‌زدن به این‌که مسلمانان باید علمی رو یاد بگیرن که برای دنیا و آخرتشون سودمند باشه. یا زبانی رو ازشون دور کنه. همچنین حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودن که بهترین آموختنی‌ها برای جوانان و نوجوانان چیزهایی است که در بزرگسالی به آن نیازمند می‌شوند. حاج‌آقا لیخندی به بچه‌ها زد و ادامه داد: «حالا به سلوات بفرستین که بریم سراغ مطلب خودمون.» خداوند رحمتش کند که چقدر زیبا و مستدل و غیرمستقیم به ما چیزی می‌آموخت.

منبع احادیث: مفاتیح الحیات، صفحه ۷۷، آیت... جوابی آملی



«همشهری سلام» خیلی بی‌مزه و مزخرف شده. من بعدیک سال با عشق اومدم سراغش و این رو فهمیدم . براتی، چاران «اگه ممکنه هر روز به نوع مسابقه بذارین. ما همیشه «زندگی سلام» رو پیگیری می‌کنیم.

«خیلی باحالید به خصوص «دور دنیا» . هادی دقتان، فردوسی «آقای خوشحال عزیز، منم با «شعر طنز» شما موافقم، باید

جنس ایرانی بخیریم، ولی کاش تولیدکننده هم مسئولیت‌پذیر باشه. خودم با این که می‌تونستم یخچال خارجی بخرم، به یخچال ایرانی خریدم که اصلاً کیفیت نداره و با این که ضمانت داره، اصلاً جوابگو نیست. هر وقت به خدمات زنگ می‌زنی اول که طلبکارن، بعد هم که با کلی پیگیری میان به پول ایاب و دهاب می‌گیرن و بعد هم دوباره خرابی و ادامه ماجرا.

« من مخالف پیامک خانم کدخدایی در «ماوشما» دیروز هستم که می‌گن روزنامه جای تشکر از همسر نیست. درسته توی خونه میشه تشکر کرد ولی می‌تونه یک پیام باشه برای کسانی که به خاطر هیچی زندگی‌شون رو تلخ می‌کنن. باید به همه بگی تا تمام همسران همدیگه رو دوست داشته باشن.

«روز شنبه ستون «باس ماس» و «تا حالا دقت کردین» رو با هم قاطی کرده بودید! بابای آرنیکا، فرجان شعر آقای خوشحال زیبا بود، خوشحال خوش به حالت. فقط رانی جزو اجناس ایرانی نیست و تولید کشور‌های غریبه. گفتیم که گفته باشم.



خواب آدم‌های بزرگ!

روی تختخواب خوابیده بود و صورتش روی یک طرف متکا افتاده بود. دهانش باز بود. بازمه است. شما آدم‌های بزرگ را در نظر بگیرید که وقتی خوابند و دهانشان مثل گاله باز می‌ماند، چه قیافه نکبتی به هم می‌زنند! اما بچه‌ها این‌طور نیستند. بچه‌ها قیافه‌ای دوست‌داشتنی پیدا می‌کنند. حتی ممکن است آب دهانشان تمام متکا را خیس کند، ولی با این حال باز هم قیافه‌شان دوست‌داشتنی می‌شود.



بداهه‌گویی‌شاعران قدیم ایرانی

ادوارد براون، شرق‌شناس انگلیسی که در قرن نوزدهم از ایران بازدید کرده است، نکته‌ای جالب درباره شعر و شاعری و بداهه‌گویی در ایران آن دوره، در سفرنامه‌اش نوشته که خواندنی است:

یکی از مختصات شاعری در ایران، موقع‌شناسی و بداهه‌گویی است. شاعر باید بتواند به مقتضای زمان و مکان، در بداهه شعر بگوید و ذوق خود را آشکار کند. به طور مثال می‌گویند روزی فتحعلی شاه با اطرافیان خود از بازار عبور می‌کرد و از مقابل دکان‌ها می‌گذشت در یک دکان مسگری چشمش به شخص خوشرویی افتاد که پای کوره مسگری نشسته و صورتش از گرد زغال سیاه شده بود. شاه درجا این مصراع را سرود: «به گرد عارض مسگر نشسته گرد زغال» سپس شاه به طرف شاعری که با او بود، روی نمود و اضافه کرد آیا او می‌تواند این مصراع را تکمیل کند؟ شاعر مزبور بدون یک لحظه تردید جواب داد: «صدای مس به فلک می‌رود که ماه گرفت.»

برگرفته از کتاب «یک سال در میان ایرانیان» اثر ادوارد براون



آلفنقه